

## اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

فریبا عادل زاده نایینی \*

رضا علی نوروزی \*\*

جهانبخش رحمانی \*\*\*

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۶

### چکیده

با وجود اهمیت عقل در فلسفه فارابی، پژوهشی جامع در جهت تبیین اصول تربیت عقلانی با توجه به آراء و اندیشه‌های وی انجام نگرفته است، لذا هدف از انجام این پژوهش، تبیین اصول تربیت عقلانی با توجه به اهداف تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه فارابی است. در این پژوهش که به روش استنتاجی فرانکنا صورت گرفته است؛ ابتدا مفاهیم مربوط به موضوع تحقیق توصیف شده، در ادامه، مضامین در مقوله‌های مجزا قرار گرفته و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به آن مشخص شده است و در آخر به روش استنتاجی فرانکنا اصول تربیت عقلانی از منظر فارابی مشخص شده است. نتایج، مبین آن است که اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی در حیطه عقل نظری عبارتند از: اصل تربیت‌پذیری (تعلیم)، اصل راهنمایی، اصل لزوم آموزش و اصل تعقل و در حیطه عقل عملی: اصل آمادگی، اصل تربیت‌پذیری (تأدیب)، اصل مسئولیت‌پذیری (عاملیت فردی)، اصل تعاون و اصل استدراج.

کلیدواژه‌ها: فارابی؛ اهداف تربیت عقلانی؛ اصول تربیت عقلانی؛ عقل نظری؛ عقل عملی

\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

f.adelzadeh@khuif.ac.ir

\*\* نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

r.norouzi@edu.ui.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

rahmani@khuif.ac.ir

## مقدمه و بیان مسئله

در اندیشه اسلامی به پرورش جنبه‌های عقلانی در ساماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان، اهمیت زیادی داده شده است؛ به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند که از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۷۰). با این وجود، بعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌شود، بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنای ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۷۹: ۵۰۲). اندیشمندان و فیلسوفان مختلفی در مورد عقل و تربیت عقلانی نظر داده و اصولی را مطرح کرده‌اند. در این زمینه، فارابی با توجه به نظریات و آراء افلاطون و ارسطو و انتخاب هوشمندانه و منطقی نظریات آنها در باب تعلیم و تربیت و گسترش آن در بستر تفکر دینی، توانست نظام تربیتی جدیدی را ایجاد نموده و در ارائه آراء و نظریه‌های فیلسوفان پس از خود نقش برجسته‌ای ایفا کند. فارابی با دقت و تبخّر خاص و ابتکاری، معانی و کاربردهای متعدد و متنوع واژه عقل را در شش معنای مهم و کاربردی تعریف کرده است: ۱. تبیین معنای عقل نزد عموم مردم (عقل به معنای زیرکی)؛ ۲. معنای جدلی عقل نزد متکلمان؛ ۳. عقل برهانی در فلسفه؛ ۴. عقل عملی در اخلاق؛ ۵. عقل (در رساله نفس ارسطو) یا حقیقتی که واجد سه مرتبه: هیولانی، بالفعل و مستفاد است و توجه به عقل فعال یا عقل فلکی مفارق و دخیل در فعلیت عقول انسانی است؛ ۶. معنای مصطلح در کتاب مابعدالطبیعه ارسطو. این گونه تنظیم سلسله مراتب عقل (نفس) انسانی، برای نخستین بار توسط فارابی انجام شده است.

فارابی در قسم پنجم، از پایین‌ترین مرحله تا مرحله مستعد پیوند با عقل فعال را برمی‌شمارد، این عقل، همان عقل نظری است و شامل عقل بالقوه (هیولانی)، بالفعل و مستفاد می‌شود. می‌توان در بخش‌بندی دیگر از منظر قوه و فعل، عقل هیولانی را ذیل خردمندی و عقل بالفعل و مستفاد را از موارد خردورزی قرار داد.

برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اندیشه فارابی عبارتند از:

ربانی، نوروزی و قادری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم» به بررسی و مقایسه اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که

هدف فارابی از طرح تعلیم و تربیت، همانا حصول فضایل چهارگانه (نظری، فکری، اخلاقی و عملی) است که دسترسی به آن جز از طریق تعلیم و تربیت صحیح، امکان پذیر نخواهد بود و این امر خود بستری برای رسیدن به مدینه فاضله است که حاصل آن کسب سعادت و خوشبختی برای افراد در اجتماع است.

کاوندی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی اندیشه فارابی» بیان می‌کند که غایت زندگی انسان، تحصیل سعادت است که این مهم جز از طریق کسب فضایل چهارگانه و عمل به فضایل، میسر نیست، اما چون هیچ انسانی مفلور بر فضایل نیست، از این رو برای شناخت آنها و نیز چگونگی کسب و تحصیل و عمل بدان‌ها به معلم و راهنما نیاز است که این امر اهمیت زیاد تعلیم و تأدیب را در نظر فارابی نمایان می‌کند.

تورانی و رهبری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا» نتیجه‌گیری می‌کنند که هر دو اندیشمند، معتقدند که پیامبر، نقش اساسی در قابلیت و دریافت وحی دارد و با ارتقا و کمال در هر دو قوه ناطقه و خیال به دریافت وحی نائل می‌شود، ولی هیچ کدام برای او نقش فاعلی به این معنا که خود تولیدکننده وحی باشد، قائل نیستند. کیان و نظام‌الاسلامی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین و تحلیلی بر مفاهیم تربیتی - اخلاقی از نظر فارابی، کومنیوس و روسو» بیان کرده‌اند که از نظر فارابی، انسان دارای فضایل و رذائلی است که در زندگی انفرادی‌اش ظهور نمی‌یابند، بلکه جامعه است که آنها را از بالقوه به فعل درمی‌آورد. بوذری‌نژاد و خسروی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «جایگاه دانش‌های شرعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی» بیان کرده‌اند که فارابی از اولین کسانی است که به این مهم پرداخته است. فارابی با کنار هم قراردادن حکمت عملی با فقه، گام در راه سازگاری آنها می‌نهد.

برخورداری و خوشدونی فراهانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «زن و عقلانیت بر مبنای انسان‌شناسی فارابی» بیان کرده‌اند به فعلیت رسیدن عقل عملی یا تجربی، در گرو کسب تجارب اجتماعی است و تا زمانی که برای هر صنفی به هر علت، امکان تجربه‌اندوزی فراهم نشود، در خردورزی او اختلال و نقص پدید می‌آید.

هاشمی و درخشنده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی اندیشه‌های تربیتی در فلسفه تطبیقی از دیدگاه فارابی و مطهری» نتیجه‌گیری کرده‌اند که از نظر فارابی، سعادت دنیوی مقدمه‌ای برای

رسیدن به سعادت اخروی است و این مهم جز از طریق کسب فضایل چهارگانه و عمل به فضایل میسر نیست؛ اما چون هیچ انسانی مطلقاً بر فضایل نیست، از این رو برای شناخت آنها و نیز چگونگی کسب و تحصیل و عمل بدان‌ها نیازمند به معلم و راهنماست که این امر اهمیت زیاد تعلیم و تأدیب را در نظر فارابی نمایان می‌کند.

بدون تردید نظام فلسفی فارابی تأثیر زیادی در فیلسوفان بعد از وی داشته و می‌توان گفت که هیچ اندیشه فلسفی‌ای را در حوزه جهان اسلام نمی‌توان یافت که تحت تأثیر اندیشه فارابی نبوده باشد.

طرح نظریه‌ای متفاوت در تبیین «نظریه عقل» در اندیشه ابونصر فارابی، ضرورت پژوهشی را در زمینه استخراج اصول تربیت عقلانی در اندیشه وی نشان می‌دهد. بر این پایه، در این پژوهش تلاش شده است که اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی مورد بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که اصول تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه فارابی کدامند؟

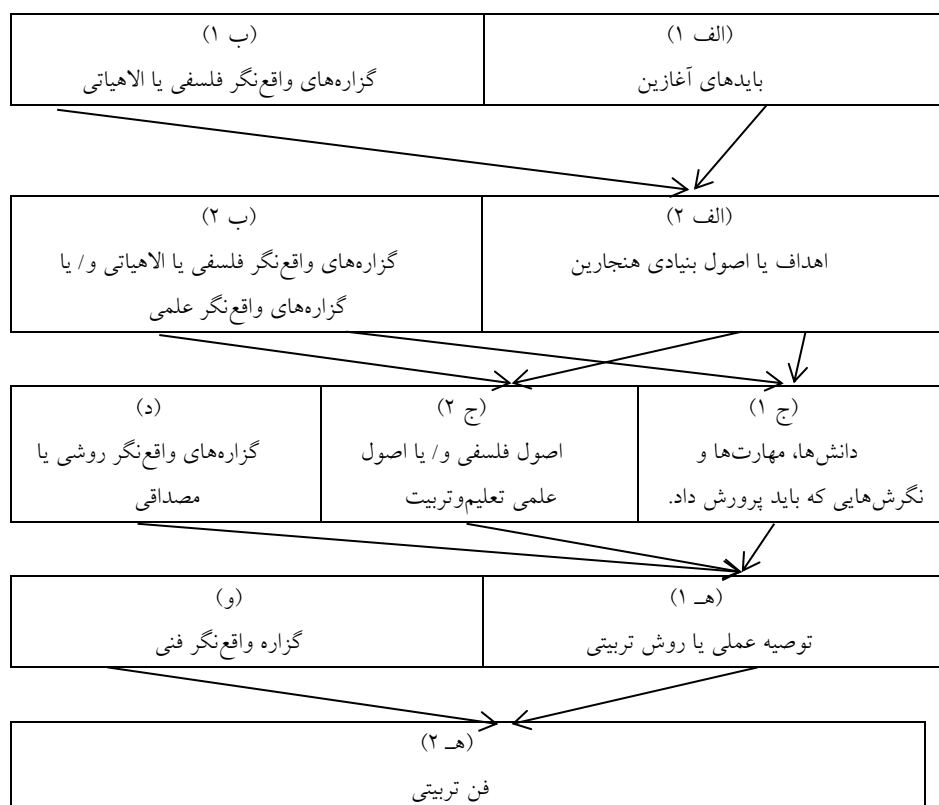
### روش پژوهش

در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا اصول تربیت عقلانی فارابی استخراج شود، ویلیام فرانکنا<sup>۱</sup> از این روش در عرصه تعلیم و تربیت بهره گرفته است. وی با استفاده از الگوی قیاس عملی ارسطو، پیشنهادی مطرح نموده است که می‌توان از آن برای تحلیل فلسفه‌های تعلیم و تربیت هنجارین استفاده نمود. مسئله مورد نظر فرانکنا چگونگی فلسفه‌های هنجارین تعلیم و تربیت است. به زعم فرانکنا در فلسفه‌های هنجارین تعلیم و تربیت، دو نوع گزاره لازم است: گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر. الگوی کامل فرانکنا شامل پنج قسمت است: الف. اهداف یا اصول بنیادی هنجارین؛ ب. گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی؛ ج. دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید پرورش داد؛ د. گزاره‌های واقع‌نگر روشی؛ ه. توصیه‌های عملی. این الگو توسط باقری مورد بازسازی قرار گرفته و دو بخش الف. بایدهای آغازین و ب. گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی به آن اضافه شده است (باقری، ۱۳۹۴: ۱۱ - ۱۱۵). شکل زیر مدل بازسازی شده‌ای از مدل فرانکنا ارائه نموده است که در آن (الف ۱) و (ب ۱) افزوده شده و آنچه در الگوی وی بود، به صورت (الف ۲) و (ب ۲) نشان داده شده است. (الف ۱) نشانگر

1. W.Frankena

اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی ۹/

«باید آغازین» و (ب ۱) نشانگر گزاره‌های واقع‌نگر است که در استنتاج از مجموع آنها، (الف ۲) به دست می‌آید که همان خانه اول در الگوی اصلی فرانکناست. به این ترتیب، یک حلقه بر زنجیر استنتاجی وی افزوده می‌شود. همچنین (ج ۲)، در کنار (ج ۱)، برای نشان دادن جایگاه اصول در نظر گرفته شده است. در خانه (د) نیز «گزاره‌های مصداقی» افزوده شده است. در انتهای شکل نیز خانه (و) به عنوان «گزاره واقع‌نگر فنی» و خانه (ه ۲) به عنوان «فن تربیتی» افزوده شده است (باقری، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۲).



شکل ۱. الگوی بازسازی شده فرانکنا (باقری، ۱۳۹۴: ۱۲۳)

باتوجه به اینکه این تحقیق کیفی و به روش استنتاجی است. شیوه گردآوری اطلاعات درخصوص ریز موضوع‌های تحقیق از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها و دیگر آثار

مکتوب و سپس اندیشه‌ورزی روی اطلاعات به دست آمده است. در این راستا به گردآوری اطلاعات براساس روش تحلیل محتوای قیاسی، در راستای توصیف مفاهیم مربوط به موضوع و عنوان تحقیق پرداخته شده است. به این منظور ابتدا در جدول ۱ معانی و مفاهیم مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی توصیف شده است، در ادامه، مضامین، هم‌دسته شده و در مقوله‌های مجزا قرار گرفته و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به آن مشخص و در آخر به روش استنتاجی فرانکنا اصول تربیت عقلانی از منظر فارابی تدوین شده است.

در این پژوهش که موضوع از منظر فارابی بررسی شده است، حوزه پژوهش شامل منابع دست اول (مجموعه آثار فارابی) و منابع دست دوم (کتاب، مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش) است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات، از منابع مرتبط با موضوع پژوهش از فیش‌برداری استفاده شده است.

در این پژوهش از ابتدا به صورت هدف‌مند به مطالعه مجموعه آثار فارابی و مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های موجود پرداخته شده است. پاتون<sup>۱</sup> اصطلاح نمونه‌گیری هدف‌مند یا از روی قصد را برای توصیف نوعی از نمونه‌گیری به کار می‌برد که در آن مواردی که از لحاظ هدف‌های تحقیق کیفی اطلاعات غنی در بردارند، انتخاب می‌شوند (گال<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸۹).

## یافته‌ها

### اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

معنی «اصل» در علوم کاربردی، قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و راهنمای عمل قرار داد. اصل در علوم کاربردی به صورت قضیه‌ای بیان می‌شود که حاوی «باید» است، در حالی که در علوم نظری و تجربی، به صورت قضیه حاوی «است» اظهار می‌شود. بر این اساس هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، باید خود را محدود به بیان قواعدی کنیم که به منزله راهنمای عمل، تدابیر تعلیمی و تربیتی ما را هدایت می‌کند (باقری، ۱۳۸۹: ۸۷).

1. Patton
2. Gall

از سوی دیگر، اصول تعلیم و تربیت، مجموعه قواعدی خواهد بود که نظر به قانون‌مندی مذکور، اعتبار می‌شوند و راهنمای عمل قرار می‌گیرند. البته ممکن است این قواعد، همواره ترجمه مستقیم قانون‌مندی‌های مذکور از قضایای حاوی «است» به قضایای حاوی «باید» نباشند، زیرا این قواعد، علاوه بر آنکه تحت تأثیر قانون‌مندی‌ها هستند، از اهداف تربیتی هم متأثر می‌شوند (باقری، ۱۳۸۹: ۸۸ - ۸۹).

باتوجه به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی می‌توان اصول تربیت عقلانی را در اندیشه او در دو حیطه نظری و عملی مشخص کرد.

مرحله اول: توصیف

در این مرحله به گردآوری اطلاعات براساس روش تحلیل محتوای قیاسی، در راستای توصیف مفاهیم مربوط به موضوع و عنوان تحقیق پرداخته شده است. جدول شماره یک معانی و مفاهیم مربوط به اصول تربیت عقلانی را در اندیشه فارابی نشان می‌دهد.

جدول ۱. مفاهیم مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

مضمین	متن
مشترک بودن اراده حسی و خیالی در انسان و حیوان اختیار، اراده ناشی از قوه ناطقه اختیار، مختص انسان	اراده سه نوع است: حسی، خیالی و عقلی؛ دو نوع اول در انسان و حیوان مشترک است، اما اراده ناشی از قوه ناطقه، مختص انسان است و اختیار نام دارد (فارابی، ۱۹۹۶: ۷۸).
اراده معلول احساس، متخیله و یا عقل انجام افعال محموده و مذمومه و جمیل و قبیح ثواب و عقاب دیدن انسان	اراده «نوع شوق» و معلول احساس یا متخیله و یا عقل است و تنها قسم سوم مخصوص انسان است و آن را «اختیار» می‌نامد و با این نوع اراده است که انسان می‌تواند افعال محموده و مذمومه و جمیل و قبیح را انجام دهد و به‌همین دلیل، ثواب و عقاب می‌بیند (فارابی، ۱۹۹۶: ۷۸).
خیر ارادی شر ارادی خیر و شر ارادی مخصوص انسان عدم طبیعی و ذاتی بودن خیر ارادی تحقق خیر ارادی از طریق افعال آدمی اتصال قوه ناطقه با عقل فعال شکل گرفتن افعال فاضله به‌وجود آمدن خیرات ارادی	خیر ارادی - مقابل شر ارادی - است و این دو مخصوص انسان است (فارابی، ۱۹۹۶: ۸۰). خیر ارادی نه ذاتی است و نه طبیعی، بلکه از طریق افعال آدمی تحقق می‌یابد که از اتصال قوه ناطقه با عقل فعال، افعال فاضله شکل می‌گیرد و خیرات ارادی به‌وجود می‌آیند (فارابی، ۱۳۷۱: ۴۹).
هدف از هستی آدمی دست‌یافتن به نیکبختی دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی ماندگار بودن شایسته‌بودن هر کمالی گفتگو درباره گونه‌های امکان رسیدن به آن کمال	هدف از هستی آدمی آن است که به سعادت و نیکبختی دست یابد و آن نیکبختی دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی است که ماندگار خواهد بود، پس هر کمالی شایسته آن است که درباره گونه‌های امکان رسیدن به آن گفتگو شود (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).
بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال رسیدن آدمی به سعادت معقولات نخستین = شناخت‌های نخست	رسیدن آدمی به آن سعادت در صورتی امکان‌پذیر است که نخست عقل فعال معقولات نخستین را، که همان شناخت‌های نخست است به آدمی بخشایش کند (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).
مقتضای فطرت و سرشت عدم شایستگی پذیرفتن دریافت‌های عقلی در تمام انسان‌ها متفاوت بودن انسان‌ها در هستی‌یافتن و داشتن نیروها برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر	هر انسانی به مقتضای فطرت و سرشت، شایسته و سزاوار پذیرفتن این چنین دریافت‌های عقلی نخواهد بود، چه افراد آدمی (یکسان پدید نخواهند آمد بلکه) در هستی‌یافتن و داشتن نیروها، بر یکدیگر برتری‌هایی خواهند داشت (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۶).



ادامه جدول ۱. مفاهیم مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

مضمین	متن
متفاوت بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی عدم وجود زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین ناهمگون و گوناگون بودن انسان‌ها به مقتضای سرشت	انسان‌ها به مقتضای سرشت در زمینه دریافت‌های عقلی با یکدیگر ناهمگون و گوناگونند. پس در سرشت برخی از آنان، هیچ‌گونه پذیرفتن دریافت معقولات نخستین نیست و برخی هم از آن سو، که می‌باید، زمینه پذیرش آنها را نخواهند داشت (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۶).
بارور و شکوفاشدن سرشت‌ها و فطرت‌ها آموزش و یادگیری دستیابی به کمال و یا نزدیک به کمال با تکاپو	همه این سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، نیاز دارد تا از راه آموزش و فراگیری بارور و شکوفا شود و از این سو، آدمی بتواند با تکاپو به کمال و یا نزدیک به کمال دست یابد (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).
فطرت مشترک فطرت خاص عدم آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه خلق شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت	انسان‌ها دو فطرت دارند: یک فطرت مشترک و یک فطرت خاص. با توجه به همین فطرت خاص، فطرت همه انسان‌ها برای معقولات اولیه آمادگی ندارند، زیرا انسان‌ها بالطبع با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت خلق شده‌اند (فارابی، ۱۹۶۴: ۷۶ - ۷۸).
هدف از آفرینش آدمی رسیدن به دورترین کمال و بالاترین سعادت فهمیدن معنای سعادت پایدار هدف قراردادن سعادت پایدار شناختن کنش‌های مؤثر در رسیدن به سعادت پایدار به‌کار بستن کنش‌های مؤثر در پدید آوردن سعادت عدم شناختن کنش‌های مؤثر در رسیدن به سعادت با سرشت خود نیاز به آموزگار و راهنما	چون هدف از آفرینش آدمی آن است که به دورترین کمال و بالاترین سعادت دست یابد، به‌ناچار نیاز خواهد داشت تا معنای سعادت پایدار را چنان که هست دریابد و پیوسته همان را در کنش‌ها و کارها هدف و پیش روی خود گرداند، آنگاه بر او لازم خواهد بود که کنش‌هایی را بشناسد که با به‌کار بستن آن به خواسته خود دست یابد. آشکارا پیدا است که هر انسانی با سرشت خود نخواهد توانست سعادت پایدار و کنش‌هایی که به کار بستن آن موجب پدید آوردن سعادت همیشگی است خود به‌خود دریابد، از این سو آدمی در شناخت سعادت واقعی و کنش‌هایی که به کار بستن آنها پدیدآورنده سعادت پایدار خواهد بود، به آموزگار و راهنما نیاز خواهد داشت (فارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۷).
تفاوت در یادگیری یادگیری فرایندی تدریجی پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی حرکت از آسان به مشکل عرضه کامل توانایی‌ها تفاوت در جسم و عقل متفاوت بودن زمینه‌های یادگیری	افراد در یادگیری متفاوت هستند و اصولاً یادگیری به‌صورت تدریجی است. انسان برای پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی باید از مراحل آسان به مشکل حرکت کند تا بتواند توانایی‌های خود را به‌طور کامل عرضه کند. افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوتند، بنابراین، زمینه‌های یادگیری آنها نیز متفاوت است (فارابی، ۱۹۶۴: ۷۶).

ادامه جدول ۱. مفاهیم مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

مضامین	متن
یاددادن شنیدن پیروی کردن و تقلید به کار بردن سخن توسط آموزگار تعلیم مسموع یاددادن به تقلید و پیروی کردن دیدن آموزگار هنگام انجام کاری به کار گرفتن تقلید همانند آموزگار شدن انجام دادن همان کنش پدیدار شدن نیرویی در متعلم با به کار گرفتن تقلید سه حالت لازم و ضروری برای متعلم در آموختن به ذهن آوردن آنچه دانستن آن مورد خواست است. دریافتن معنای شنیده شده و خواسته شده باورکردن معانی دریافت شده به خاطر سپردن معانی دریافت و باور شده	یاددادن، گاهی به شنیدن و زمانی به پیروی کردن و تقلید است. در آن گونه یاددادن که به شنیدن است، آموزگار برای یاددادن، سخن را به کار می برد و ارسطو نام آن را «تعلیم مسموع»؛ یاددادن به شنیدن نهاده است. آن گونه از یاددادن که به تقلید و پیروی کردن است؛ بدین گونه فراهم می شود که متعلم آموزگار را به گونه ای از حالت هنگام انجام دادن کاری یا غیر آن می بیند، آنگاه شاگرد با به کار گرفتن تقلید همانند آموزگار می شود و همان کنش را همانند او انجام می دهد. آنگاه برای متعلم با به کار گرفتن تقلید، نیرویی پدیدار خواهد شد. یاددادن اموری که به سخن گفتن است: برخی از آنها به پیروی کردن و تقلید است و برخی دیگر فقط به سخن گفتن است و هرچه آموختن آن به سخن گفتن است، به ناچار سه گونه حالت در فراگرفتن آن برای متعلم لازم و ضروری است: یکی از آن سه حالت این است که آنچه را که دانستن آن مورد خواست است، متعلم باید به ذهن آورد و معنایی را که از آموزگار شنیده و خواست اوست، دریابد. دوم آنکه، شاگرد آنچه را که از آموزگار دریافت می کند، باور نماید. سوم آنکه، متعلم آنچه را که دریافت و به هستی آن باور کرد باید به خاطر بسپارد (فارابی، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

در ادامه، مضامین هم دسته شده و در مقوله های مجزا قرار می گیرند.

جدول ۲. مضامین هم‌دسته‌شده مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

ردیف	مضامین	مقوله‌های جایگزین شده
۱	<p>۱۵. هدف از هستی آدمی</p> <p>۱۶. دست یافتن به نیکبختی</p> <p>۱۷. دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی</p> <p>۱۸. ماندگاربودن</p>	<p>هدف از هستی آدمی دستیابی به نیکبختی</p>
۲	<p>۱۵. هدف از هستی آدمی</p> <p>۱۶. دست یافتن به نیکبختی</p> <p>۱۷. دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی</p> <p>۱۸. ماندگاربودن</p> <p>۱۹. شایسته‌بودن هر کمالی</p> <p>۲۰. گفتگو درباره گونه‌های امکان رسیدن به آن کمال</p>	<p>نیکبختی = دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی</p>
۳	<p>۱۶. دست یافتن به نیکبختی</p> <p>۱۷. دورترین کمال بخشایش شده به هستی‌های امکانی</p> <p>۱۸. ماندگاربودن</p> <p>۱۹. شایسته بودن هر کمالی</p> <p>۲۰. گفتگو درباره گونه‌های امکان رسیدن به آن کمال</p> <p>۲۱. بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال</p> <p>۲۲. رسیدن آدمی به سعادت</p> <p>۲۳. معقولات نخستین = شناخت‌های نخست</p> <p>۲۴. مقتضای فطرت و سرشت</p> <p>۳۹. رسیدن به دورترین کمال و بالاترین سعادت</p> <p>۴۰. فهمیدن معنای سعادت پایدار</p> <p>۴۱. هدف قرار دادن سعادت پایدار</p> <p>۴۲. شناختن کنش‌های مؤثر در رسیدن به سعادت پایدار</p> <p>۴۳. به‌کاربستن کنش‌های مؤثر در پدیدآمدن سعادت</p>	<p>امکان رسیدن به شناخت، کمال و سعادت برای همه انسان‌ها</p>
۴	<p>۲۴. مقتضای فطرت و سرشت</p> <p>۲۵. عدم شایستگی پذیرفتن دریافت‌های عقلی در تمام انسان‌ها</p> <p>۲۶. متفاوت‌بودن انسان‌ها در هستی یافتن و داشتن نیروها</p> <p>۲۷. برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر</p> <p>۲۸. متفاوت‌بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی</p> <p>۲۹. عدم وجود زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین</p> <p>۳۰. ناهمگون و گوناگون‌بودن انسان‌ها به مقتضای سرشت</p> <p>۳۶. عدم آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه</p> <p>۳۷. قوای متفاوت و استعداد‌های متفاوت</p> <p>۴۶. تفاوت در یادگیری</p> <p>۵۱. تفاوت در جسم و عقل</p> <p>۵۲. متفاوت‌بودن زمینه‌های یادگیری</p>	<p>وجود تفاوت‌های فردی</p>

۱۶ / نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی	سال ۲۷، دوره جدید، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۸
---	---

ادامه جدول ۲. مضامین هم‌دسته‌شده مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

ردیف	مضامین	مقوله‌های جایگزین شده
۵	۳۴. فطرت مشترک ۳۵. فطرت خاص ۳۶. عدم آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه ۳۶. خلق‌شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت ۵۲. متفاوت‌بودن انسان‌ها در زمینه دریافت‌های عقلی ۲۹. عدم وجود زمینه پذیرش دریافت معقولات نخستین	لزوم وجود آمادگی برای دریافت‌های عقلی
۶	۲۱. بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال ۲۲. رسیدن آدمی به سعادت ۲۴. مقتضای فطرت و سرشت ۳۱. بارور و شکوفاندن سرشت‌ها و فطرت‌ها ۳۲. آموزش و یادگیری ۳۲. دستیابی به کمال یا نزدیک به کمال با نکاپو	لزوم آموزش و یادگیری
۷	۳۴. فطرت مشترک ۳۵. فطرت خاص ۳۶. عدم آمادگی همه انسان‌ها برای معقولات اولیه ۳۷. خلق‌شدن انسان‌ها با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت	لزوم وجود آموزش تخصصی در جامعه
۸	۲۱. بخشیدن معقولات نخستین به انسان توسط عقل فعال ۲۲. رسیدن آدمی به سعادت ۲۳. معقولات نخستین = شناخت‌های نخست ۲۴. مقتضای فطرت و سرشت ۳۱. بارور و شکوفا شدن سرشت‌ها و فطرت‌ها ۳۹. رسیدن به دورترین کمال و بالاترین سعادت ۴۰. فهمیدن معنای سعادت پایدار ۴۱. هدف قراردادن سعادت پایدار ۴۲. شناختن کنش‌های مؤثر در رسیدن به سعادت پایدار ۴۳. به‌کار بستن کنش‌های مؤثر در پدیدآوردن سعادت ۴۴. عدم شناختن کنش‌های مؤثر در رسیدن به سعادت با سرشت خود ۴۵. نیاز به آموزگار و راهنما	لزوم وجود راهنما و آموزگار
۹	۴۶. تفاوت در یادگیری ۴۷. یادگیری فرایندی تدریجی ۴۸. پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی ۴۹. حرکت از آسان به مشکل ۵۰. عرضه کامل توانایی‌ها ۵۱. تفاوت در جسم و عقل ۵۲. متفاوت‌بودن زمینه‌های یادگیری	یادگیری فرایندی تدریجی

۱۷/	اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی
-----	------------------------------------

ادامه جدول ۲. مضامین هم‌دسته‌شده مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

ردیف	مضامین	مقوله‌های جایگزین شده
۱۰	۱. مشترک‌بودن اراده حسی و خیالی در انسان و حیوان ۲. اختیار، اراده ناشی از قوه ناطقه ۳. اختیار، مختص انسان ۴. اراده معلول احساس، متخیله و یا عقل ۷. خیر ارادی ۸. شر ارادی ۹. خیر و شر ارادی مخصوص انسان ۱۰. عدم طبیعی و ذاتی‌بودن خیر ارادی ۱۱. تحقق خیر ارادی از طریق افعال آدمی	اختیار و خیر و شر ارادی مخصوص انسان
۱۱	۲. اختیار، اراده ناشی از قوه ناطقه ۳. اختیار، مختص انسان ۴. اراده معلول احساس، متخیله و یا عقل ۷. خیر ارادی ۸. شر ارادی ۹. خیر و شر ارادی مخصوص انسان ۱۰. عدم طبیعی و ذاتی‌بودن خیر ارادی ۱۱. تحقق خیر ارادی از طریق افعال آدمی	اکتسابی‌بودن اخلاق اعم از جمیل و قبیح
۱۲	۲. اختیار، اراده ناشی از قوه ناطقه ۳. اختیار، مختص انسان ۴. اراده معلول احساس، متخیله و یا عقل ۵. انجام اعمال محموده و مذمومه ۶. ثواب و عقاب دیدن انسان‌ها ۷. خیر ارادی ۸. شر ارادی ۹. خیر و شر ارادی مخصوص انسان ۱۰. عدم طبیعی و ذاتی‌بودن خیر ارادی ۱۱. تحقق خیر ارادی از طریق افعال آدمی ۱۲. اتصال قوه ناطقه با عقل فعال ۱۳. شکل‌گرفتن افعال فاضله ۱۴. به‌وجودآمدن خیرات ارادی	اختیار عامل ثواب و عقاب‌دیدن انسان‌ها
۱۳	۷. خیر ارادی ۸. شر ارادی ۹. خیر و شر ارادی مخصوص انسان ۱۰. عدم طبیعی و ذاتی‌بودن خیر ارادی ۱۱. تحقق خیر ارادی از طریق افعال آدمی ۱۲. اتصال قوه ناطقه با عقل فعال ۱۳. شکل‌گرفتن افعال فاضله ۱۴. به‌وجودآمدن خیرات ارادی	به‌وجودآمدن خیرات ارادی = شکل‌گرفتن افعال فاضله

ادامه جدول ۲. مضامین هم‌دسته‌شده مربوط به اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

ردیف	مضامین	مقوله‌های جایگزین شده
۱۴	۴۶. تفاوت در یادگیری ۴۷. یادگیری فرایندی تدریجی ۴۸. پرورش جنبه‌های مختلف جسمی و روانی ۴۹. حرکت از آسان به مشکل ۵۰. عرصه کامل توانایی‌ها ۵۱. تفاوت در جسم و عقل ۵۲. متفاوت بودن زمینه‌های یادگیری	تدریجی بودن فرایند یادگیری
۱۵	۵۳. یاددادن ۵۴. شنیدن ۵۵. پیروی کردن و تقلید ۵۶. به‌کاربردن سخن توسط آموزگار ۵۷. تعلیم مسموع ۵۸. یاددادن به تقلید و پیروی کردن ۵۹. دیدن آموزگار هنگام انجام کاری ۶۰. به‌کارگرفتن تقلید ۶۱. همانند آموزگار شدن ۶۲. انجام‌دادن همان کنش ۶۳. پدیدارشدن نیرویی در متعلم با به‌کارگرفتن تقلید	یاددادن به تقلید و پیروی کردن
۱۶	۴۵. نیاز به آموزگار و راهنما ۵۳. یاددادن ۵۴. شنیدن ۵۵. پیروی کردن و تقلید ۵۶. به‌کاربردن سخن توسط آموزگار ۵۷. تعلیم مسموع ۵۸. یاددادن به تقلید و پیروی کردن ۵۹. دیدن آموزگار هنگام انجام کاری ۶۰. به‌کارگرفتن تقلید ۶۱. همانند آموزگار شدن ۶۲. انجام‌دادن همان کنش ۶۳. پدیدارشدن نیرویی در متعلم با به‌کارگرفتن تقلید ۶۴. سه حالت لازم و ضروری برای متعلم در آموختن ۶۵. به‌ذهن آوردن آنچه دانستن آن مورد خواست است. ۶۶. دریافتن معنای شنیده‌شده و خواسته‌شده ۶۷. باورکردن معانی دریافت‌شده ۶۸. به خاطر سپردن معانی دریافت شده	نیاز به آموزگار و راهنما در رسیدن به ساعات پایدار

مرحله دوم: مشخص کردن گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی  
گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به بررسی اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی عبارت  
است از:

اگر انسان از راه آموزش همه آنچه را که آمادگی داشت، فراگرفت، به کمال رسیده است.  
آدمی در شناختن سعادت واقعی و کنش‌هایی که به کار بستن آنها پدیدآورنده نیکبختی  
پابرجای خواهد بود، نیازمند به آموزگار و راهنماست.

برای اینکه سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، بارور و شکوفا شود، به  
آموزش و فراگیری نیاز است.

انسان متعقل و متفکر دارای رؤیت یعنی «جودت تمییز» میان خیر و شر است.  
افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین، زمینه‌های یادگیری آنها نیز  
متفاوت هستند.

انسان‌ها بالطبع با قوای متفاوتی و استعداد‌های متفاوت خلق شده‌اند.

اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.

اختیار دلیل ثواب و عقاب دیدن انسان است.

مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این

غرض و غایت برسانند، تعاون دارند.

۲۰ / نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی / سال ۲۷، دوره جدید، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۸

مرحله سوم: استنتاج اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

جدول ۳. اصول تربیت عقلانی در حیطه عقل نظری

قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	هدف	کمال عقل نظری و رسیدن به عقل مستفاد
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اگر انسان از راه آموزش همه آنچه را که آمادگی داشت فراگرفت، به کمال رسیده است.
	نتیجه	اصل	اصل تربیت‌پذیری (تعلیم)
قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	هدف	طی مراتب عقل و رسیدن به تجرد محض و فعلیت تام
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	آدمی در شناختن سعادت واقعی و کنش‌هایی که به‌کار بستن آنها پدیدآورنده نیکبختی پابرجای خواهد بود، نیازمند به آموزگار و راهنماست.
	نتیجه	اصل	اصل راهنمایی
قیاس عملی ۳	مقدمه ۱	هدف	دستیابی به معرفت تام از مسیر قوه متخیله و ناطقه
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	برای اینکه سرشت‌ها و فطرت‌ها، با آنچه در آن نقش بسته است، بارور و شکوفا گردد، به آموزش و فراگیری نیاز است.
	نتیجه	اصل	اصل لزوم آموزش
قیاس عملی ۴	مقدمه ۱	هدف	بصیرت‌افزایی
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	انسان متعقل و متفکر دارای رؤیت یعنی «جودت تمیز» میان خیر و شر است.
	نتیجه	اصل	اصل تعقل

جدول ۴. اصول تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی

قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	هدف	فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	انسان‌ها بالطبع با قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت خلق شده‌اند.
	نتیجه	اصل	اصل آمادگی
قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.
	نتیجه	اصل	اصل تربیت‌پذیری (تأدیپ)
قیاس عملی ۳	مقدمه ۱	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اختیار دلیل ثواب و عقاب‌دیدن انسان است.
	نتیجه	اصل	اصل مسئولیت‌پذیری (عاملیت فردی)
قیاس عملی ۴	مقدمه ۱	هدف	ایجاد فضایل اخلاقی میان امت‌ها
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین، زمینه‌های یادگیری آنها نیز متفاوت است.
	نتیجه	اصل	اصل استدراج
قیاس عملی ۵	مقدمه ۱	هدف	تحقق مدینه فاضله
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.
	نتیجه	اصل	اصل تعاون



### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

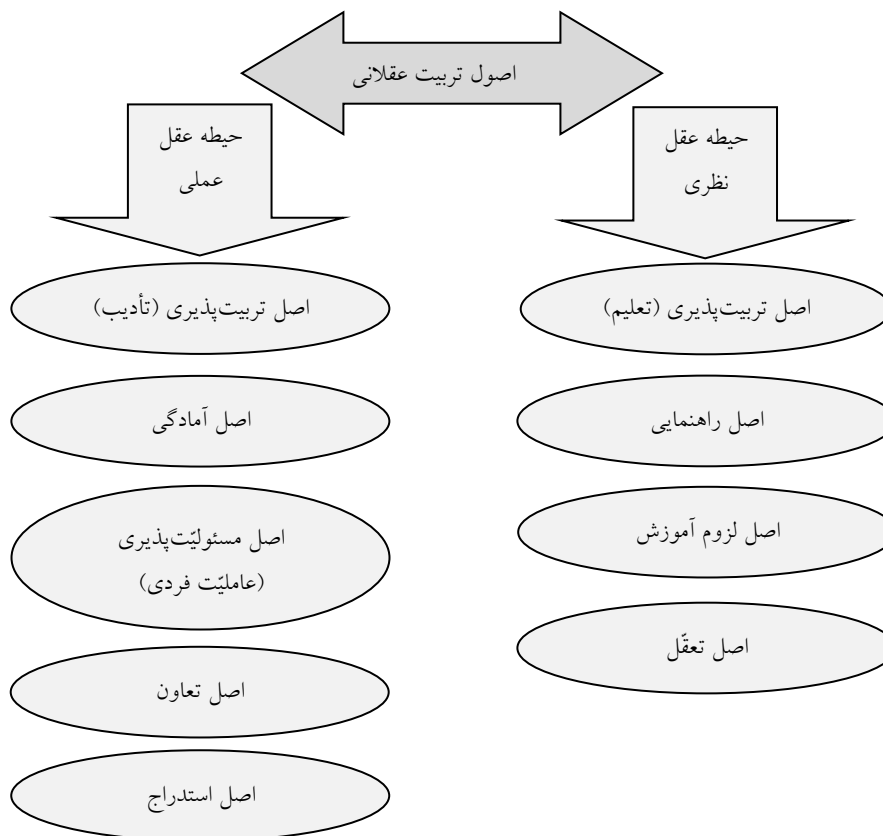
فارابی مانند فیلسوفان یونانی پیش از خود، به بحث عقل توجّه داشته و برای آن اهمّیت خاصی قائل بوده است، تا آنجا که در رساله‌ای جدا به این مسئله پرداخته است. اما وی باتوجه‌به مبانی فلسفی که خود مؤسس آن است، بحثی متمایز از عقل ارائه می‌دهد.

از منظر فارابی، انسان کامل، کسی است که صاحب معرفت عقلانی عظیم و کردار اخلاقی بی‌عیب باشد. معرفت عقلی نزد فارابی ارزش زیادی دارد. پایه نظریه عقل فارابی در مفهوم ارتباط عقل انسانی با عالم مفارق از ماده به وساطت و فیض عقل فعّال گذارده شده است.

فارابی انسان را صاحب قوای متعدد می‌داند که هر یک عهده‌دار وظیفه‌ای در وجود وی هستند تا مسیر کمال را هموار کنند. آن قوّه‌ای که به نظر فارابی برترین قوّه انسان بوده و می‌تواند فرد را به سعادت برساند، قوّه ناطقه است. قوّه ناطقه توانایی تعقل دارد و این ویژگی این قوّه را از سایر قوا متمایز می‌کند و انسان را اشرف مخلوقات قرار می‌دهد.

از نظر فارابی عقل عملی آن است که انسان چیزهایی را درمی‌یابد که با خواست و اراده شایسته انجام و عمل است. گونه‌ای از عقل عملی مبدأ کار و عمل است، و به‌وسیله آن پیشه‌ها و کارها را انجام می‌دهد و گونه دیگر مبدأ اندیشه و فکر است و او درمی‌یابد که چه چیز شایسته است تا انجام نگیرد. عقل نظری همان است که آدم چیزهایی را درمی‌یابد که به‌هیچ‌وجه شایسته انجام نیست (فارابی، ۱۳۹۶: ۳۴).

با توجه به اندیشه و آرای فارابی می‌توان اصولی را برای تربیت عقلانی استخراج کرد. در این پژوهش اصول تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه و آراء فارابی در دو حیطه عقل نظری و عقل عملی به‌صورت زیر مشخص شده است.



با توجه به اصول تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی می‌توان نتیجه گرفت که از نظر فارابی انسان‌ها به لحاظ طبیعت با یکدیگر متفاوتند و هیچ فردی فطرتاً قادر به شناخت سعادت و عوامل مؤثر در ایجاد آن نیست، از این رو انسان‌ها نیازمند به معلم و راهنما هستند. وی ایجاد فضیلت را با توجه به تأکید بر دو عقل عملی و نظری از دو طریق امکان پذیر می‌داند: ۱. تعلیم؛ ۲. تأدیبه. او تعلیم را ایجاد فضایل نظری میان امت‌ها و جوامع و تأدیبه را طریق ایجاد فضایل اخلاقی و صناعات عملی در امت‌ها معرفی می‌کند. لذا برای ایجاد فضایل نظری و فضایل خلقی در امم باید از روش تعلیم و تأدیبه استفاده کرد.

برای تربیت عقل نظری و عملی افراد جامعه باید شرایط لازم برای تشویق آنها به تفکر، تأمل و تدبّر در آیات الهی و موجوداتی که نشانه قدرت و وجود خدا هستند، فراهم شود، تا در این راستا

زمینه مناسب برای کسب معرفت عقلی در آنها فراهم شده باشد. علوم و معارف مختلف در جهت تربیت و تکمیل عقل نظری و عملی باید به افراد جامعه آموزش داده شود. در این راستا آموزش علومی مانند فلسفه و حکمت برای رسیدن آنها به شناخت و کمال و در نهایت سعادت از طریق معرفت عقلانی می‌تواند مفید باشد. مهارت مشاهده درست و اصولی به‌عنوان یک مهارت برای درک جزئیات و در نتیجه درک کلیات باید در افراد جامعه تقویت شود، در این راستا، باید شرایط لازم برای تعامل فرد با محیط و کسب تجربه فراهم شود؛ چراکه هرچه این تعامل بیشتر شود، شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌گردد.

در جهت تربیت افراد جامعه باید برنامه‌هایی را در جهت شناساندن پیامبران و امامان به‌عنوان الگو، طراحی کرد و آخر اینکه برای رسیدن به سعادت باید افراد جامعه را طوری تربیت کرد که علاقه‌مند به شرکت در فعالیت‌های گروهی باشند و هر فرد به‌عنوان عضوی از جامعه، اعضای جامعه را مانند اعضای یک بدن بداند.

#### منابع

- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه (۱۳۹۴)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- برخورداری، زینب و خوشدونی فراهانی، سمیه (۱۳۹۵)، زن و عقلانیت بر مبنای انسان‌شناسی فارابی، حکمت معاصر، ۲، ۷: ۹۳-۱۱۷.
- بودری نژاد، یحیی و خسروی، قاسم (۱۳۹۴)، جایگاه دانش‌های شرعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱، ۴: ۱۶۹-۱۹۱.
- تورانی، علی و رهبری، معصومه (۱۳۹۳)، نقش قوه خیال در پدیده وحی از دیدگاه فارابی و ملاصدرا، *دوفصلنامه انسان پژوهی دینی*، ۳۱، ۱۱: ۷۹-۹۶.
- ربانی، رسول؛ نوروزی، رضاعلی؛ و قادری، مهدی (۱۳۸۸)، *تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم، تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷۸، ۱۷: ۷۵-۱۰۱.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۴)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فارابی، ابونصر (۱۳۸۸)، *الالفاظ المستعمله فی المنطق*، ترجمه و شرح: حسن ملکشاهی، تهران: سروش.
- فارابی، ابونصر (۱۳۹۶)، *السیاسه المدینه*، ترجمه و شرح: حسن ملکشاهی، تهران: سروش.

فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، *التبیه علی سبیل السعاده، التعليقات، رسالتان فلسفیتان*، تحقیق: جعفر آل یاسین، تهران: انتشارات حکمت.

فارابی، ابونصر (۱۹۶۴)، *السیاسه المدنی*، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت: مطبعه الکائولیکیه.

فارابی، ابونصر (۱۹۹۶)، *سیاسه المدنیه، مقدمه و شرح علی بو ملحم، الطبعه الاولی*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

کاوندی، سحر (۱۳۹۰)، *مبانی اندیشه‌های تربیتی فارابی، معرفت اخلاقی*، ۱، ۳: ۴۵ - ۶۴.

کیان، مرجان و نظام‌الاسلامی، فهیمه (۱۳۹۳)، *تبیین و تحلیلی بر مفاهیم تربیتی - اخلاقی از نظر فارابی، کومنیوس و روسو، فصلنامه اخلاق*، ۳۵، ۱۰: ۶۷ - ۹۵.

گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جوینس (۱۳۹۳)، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت، با همکاری دانشگاه شهید بهشتی.

ملکی، حسن (۱۳۷۹)، *تربیت عقلانی در نهج‌البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن*، کتاب چهارم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

هاشمی، سیداحمد و درخشنده، رضا (۱۳۹۶)، *بررسی اندیشه‌های تربیتی در فلسفه تطبیقی از دیدگاه فارابی و مطهری، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱، ۳: ۸۹ - ۱۰۰.

